

معرفی

شه

خالد آباد

موقعیت جغرافیایی و وضعیت آب و هوایی:

شهر خالداآباد از توابع شهرستان نطنز واقع در استان اصفهان در بیست و پنج کیلومتری شمال شهرستان نطنز، پنجاه و پنج کیلومتری شرق شهرستان کاشان ، پنجاه و پنج کیلومتری غرب شهرستان اردستان ، در مجاورت شهر بادرود (بطوریکه مرز طبیعی بین این دو شهر دیده نمی‌شود) و در حاشیه کویر و سیاه‌کوه قرار دارد. خالداآباد در طول جغرافیایی 51° - 56° و عرض جغرافیایی 33° - 40° واقع شده و فاصله آن تا مرکز استان ۱۷۰ کیلومتر می‌باشد.

خالداآباد بعلت قرار گرفتن در ناحیه کویری از تابستانهای گرم و خشک و زمستانهایی سرد و سخت برخوردار است این شهر در فاصله ۲۵ کیلومتری از رشته کوه کرکس (مرکز شهرستان) قرار گرفته بطوریکه ساکنین آن براحتی می‌توانند در مدت زمان اندکی خود را از آب و هوای گرم و خشک کویری به آب و هوای خنک کوهستانی برسانند. ارتفاع شهر از سطح دریا ۹۹۵ متر و مساحت آن حدود ۱۳۰۰ هکتار می‌باشد. این منطقه بعلت قرارگیری در حاشیه کویر دارای پوسته زمینی کلفت می‌باشد و برعکس مناطق مانند نطنز خطر نسبی زلزله‌ای کمتر بوده و دارای دوره بازگشت بیش از ۲۳۰ سال می‌باشد. بررسی لایه‌های زمین‌شناختی توسط مهندسان چینی نشان می‌دهد که منطقه به جز در محدوده آران و بیدگل دارای تاقدیس‌های مهم و بزرگی نیست.

خالداآباد در قدیم‌الایام در مسیر جاده ابریشم واقع گردیده بود و درحال حاضر نیز در کنار اتوبان تهران ° اصفهان و جاده ترانزیت تهران ° جنوب و راه‌آهن سراسری واقع شده است.

وجه تسمیه خالدآباد

۱- خالدآباد را به خالدبن ولید نسبت می‌دهند اما نباید این قول محکم باشد چون با شکست سپاه ایران از سپاه اسلام در زمان خلیفه دوم هنوز نیروهای اسلام در قسمت مرکزی تسلط نداشتند.

۲- بعضی خالدآباد را به خالد بن برمکی نسبت می‌دهند که این قول هم اعتبار چندانی ندارد و شاید در زمان ایشان قنات جدید خالدآباد (قنات کهنسال فعلی) احداث شده باشد و وجود قناتهای تخریب شده قبلی دلالت بر این دارد که سابقه وجود آمدن خالدآباد بیش از این باشد.

۳- وجود تپه‌های باستانی (ابوذر و مسی) که به ثبت میراث فرهنگی رسیده و هنوز حفاری نگردیده‌اند در دل خود تمدنی برابر با سیلک کاشان دارد و عمر آن را به بیش از شش هزار سال گمان زده‌اند.

۴- کلمه «خالدآباد» یا «خلدآباد» یا «خلدبرین» از سرسبزی، خرمی گرفته شده است که بعدها در چرخش کلامی به «خالدآباد» تغییر کرده است. وجود دو قنات کهنسال «جنت‌آباد» و «خلدآباد» که از پرآب‌ترین قناتهای کویری هستند دلیل بر این مدعاست و حتی در تذکره امامزادگان آقاعلی عباس و شاهزاده محمد که در سال ۱۳۴۸ هجری قمری توسط محمدجعفر بیدگلی فرزند ملامحمدباقر بیدگلی که از روی نسخه اصلی کتابت نموده اشاره دارد بر اینکه: امام حسن عسگری^(ع) پس از مراجعت از طوس در مزرعه خالدآباد توطن فرمودند آنحضرت تنخواهی به والی خالدآباد (وزیر ابراهیم یا خواجه ابراهیم) داده که برای امامزادگان قناتی احداث نمایند و تولیت امامزادگان را به خواجه ابراهیم سپردند.

تاریخچه و وضعیت فرهنگی و آموزشی خالدآباد:

اولین مدرسه منطقه بنام «فیاض» در سال ۱۳۰۴ در خالدآباد تأسیس شد که زیر نظر اداره فرهنگ کاشان اداره می‌شد و چهارمین مدرسه در سطح شهرستان کاشان بوده است (در آن زمان خالدآباد از توابع نطنز و مجموعاً بخشی از شهرستان کاشان بوده است) نخستین دبیرستان منطقه نیز در سال ۱۳۳۳ در خالدآباد بنام دبیرستان «فیاض» تأسیس شد.

در حال حاضر شهر خالدآباد دارای ۸ آموزشگاه در ۳ مقطع تحصیلی ابتدایی ، راهنمایی و متوسطه بوده و کل جمعیت دانش‌آموزی شهر ۶۰۰ نفر بوده که ۲۰۰ نفر در مقطع ابتدایی ، ۱۴۰ نفر در مقطع راهنمایی و ۲۶۰ نفر در مقطع متوسطه تحصیل می‌کنند. حدود ۵۷ درصد دانش‌آموزان دختر و ۴۳ درصد پسر هستند.

گویش خالدآبادی:

به صدر اسلام می‌رسد و ریشه در زبان تاتی دارد و تلفیقی از فارسی دری ، کردی و عربی است که با لهجه مخصوص ویژه خالدآبادیها بیان می‌شود.

پیشینه مذهبی خالد آباد:

زمانی که حضرت امام رضا ثامن الائمه (ع) جهت ولایتعهدی به ایران مشرف شدند جمعی از اقارب و فرزندان و برادران آن جناب نیز رهسپار این دیار گشتند از جمله امامزادگان آقاعلی عباس و شاهزاده محمد که در منطقه به دستور عبدالحمید یا شهابالدین حکمران بادافشان (بادرود فعلی) به شهادت رسیدند و جنازه پاکشان در بیابان مانده بود و کسی از ترس مأموران جرأت نزدیک شدن به جنازه‌ها را نداشت. تعدادی از زنان خالدآباد (به نقل از گذشتگان چهل نفر) عزم را جزم کرده و برای دفن حضرات اقدام کردند که این امر باعث تهییج مردان گردید و کار را به انجام رساندند. در تذکره امامزادگان آمده که والی خالدآباد (خواجه ابراهیم) تولیت آستان را برعهده داشته و بعد از او پسرش حاج یوسف به این سمت منصوب گردید و از آن زمان تا بحال فرزندان ایشان در امر عمران و آبادی بارگاه امامزادگان فعالیت داشته‌اند و در سال ۱۲۹۹ هجری قمری که مسئولیت بارگاه برعهده میرزا ابوالقاسم بوده و ایشان افرادی را جهت دریافت نذورات به اطراف و اکناف اعزام می‌نمود نوشته‌ای داشت که به تأیید علمای وقت کاشان رسیده و اعلام نموده بودند که دادن نذورات به افراد اعزامی بدلیل اینکه انتصاب ازطرف ابوالقاسم بوده و ابوالقاسم مورد وثوق اینجانبان می‌باشد بلامانع خواهد بود. دو طایفه سعیدی و عابدی از نسل آن بزرگان هم اکنون در این شهر زندگی می‌کنند.

تأسیس شهرداری:

خالدآباد در تاریخ ۸۳/۱۰/۱۶ با مصوبه شماره ۱/۳/۴۲/۱۰۷۲۰۰ هیئت دولت به شهر تبدیل شد و شهرداری خالدآباد در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۷ افتتاح و رسماً آغاز بکار نمود.

آمار جمعیت و اشتغال و وضعیت اقتصادی شهر در حال حاضر:

جمعیت شهر خالدآباد طبق آخرین آمار بالغ بر ۳۰۰۰ نفر و ۱۰۳۵ خانوار می باشد که ۴۹ درصد جمعیت مردان و ۵۱ درصد زنان هستند. لازم بذکر است که حدود ۳ برابر جمعیت ساکن شهر خالدآباد در تهران زندگی می کنند.

۲۳ درصد جمعیت شهر خالدآباد را افراد زیر ۱۵ سال ، ۶۵ درصد افراد بین ۱۵ تا ۶۰ سال و ۱۲ درصد افراد بالای ۶۰ تشکیل می دهند. شغل قاطبه مردم خالدآباد کشاورزی و دامپروری بوده و درصدی نیز به مشاغل اداری ، صنعتی ، تولیدی و صنفی اشتغال دارند. شغل ۲۰ درصد زنان خالدآباد قالیبافی بوده و قالی شادسر کاشان که در بازارهای جهانی شهرت دارد زاینده دستان هنرمند زنان خالدآبادیست.

بطور کلی آمار اشتغال مردم خالدآباد بدین صورت است که:

از جمعیت مردان: حدود ۲۵ درصد کارمند ، ۶۰ درصد کشاورز و دامدار ، ۱۰ درصد راننده و ۵ درصد به مشاغل صنفی و سایر مشاغل اشتغال دارند.

از جمعیت زنان: حدود ۵ درصد کارمند ، ۲۰ درصد قالیباف ، ۷۰ درصد خانه دار و ۵ درصد به مشاغل صنفی و سایر مشاغل اشتغال دارند.

مساحت کل شهر حدود ۱۵۰۰ هکتار می باشد که از این میزان حدود ۱۶۰ هکتار بافت مسکونی و بقیه اراضی کشاورزی ، باغات و بایر هستند.

مساحت اراضی کشاورزی حدود ۷۰۰ هکتار و باغات حدود ۴۰۰ هکتار می باشد و تعداد ۱۶ حلقه چاه عمیق کشاورزی و ۲ رشته قنات در شهر وجود دارد که یکی از قناتها چندسالی است خشک شده است. سطح زیرکشت مزارع صیفی جات ، گندم و جو بوده و محصولات باغی نیز عمدتاً انار می باشد.

تعداد ۸۰ واحد صنفی فعال در شهر وجود دارند که مشاغل عمده آنها عبارتند از : خوار و بار فروشی ، آهنگری ، تعمیر موتورسیکلت ، نانوائی ، ابزارفروشی ، آرایشگری ، تأسیسات ، قصابی و ... می باشد.

تعداد ۲ شعبه بانکی (کشاورزی و پست بانک) در این شهر موجود می باشد.

ویژگیهای شهرسازی و معماری شهر خالدآباد

این شهر با قدمتی دیرینه همپای سیلک کاشان بوده و کارشناسان با بررسی محوطه‌های باستانی شهر (تپه ابوذر و مسی) بر این امر صحّه می‌گذارند که مردمانی که در گذشته در این خطه زندگی می‌کردند مردمانی آشنا با صنعت روز بوده و از آثار زیستی که از منطقه خالدآباد بدست آمده محدوده زندگی مردم خالدآباد در ادوار گذشته در دایره‌ای به قطر ۳ کیلومتر بوده است.

قدیمی‌ترین محله شهر محله توده می‌باشد و همانطور که از نامش پیداست مرکز آبادی بوده و بعدها دو محله دیگر به نام حصارو و قلعه‌نو بوجود آمدند. وضعیت سکونت در گذشته بصورت قلعه‌ای و دسته‌جمعی بوده که متأسفانه این قلعه‌ها بدست جهالت تخریب گردیدند. بعدها به مرور زمان مردم از زندگی در قلعه‌ها به شهرنشینی روی آوردند. بافت ساختاری منازل همچون دیگر شهرهای کویری بصورت حیاط مرکزی (اندرونی) به این صورت که اطاقها در دو یا سه طرف حیاط قرار می‌گرفتند و اطاقهای تابستانی و زمستانی پنجره‌ای کوچک داشتند که ساکنین را از گزند سرما و گرما حفظ کنند از دیگر مشخصه‌های منازل قدیمی سقفهای گنبدی شکل و وجود هشتی و سرداب در اغلب ساختمانها می‌باشد که از سرداب برای سکونت در گرمترین روزهای سال استفاده می‌شد.

خانه آقاگل که یکی از قدیمی‌ترین خانه‌های به جا مانده است ماکتی کوچک از خانه طباطبایی کاشان با همان ویژگیها می‌باشد. کوچه‌های محله قدیمی اکثراً تنگ و باریک با دیوارهای بلند بوده تا در روزهای گرم دیوارها بر روی هم سایه افکنده و گرما کمتر احساس شود اما در محله‌هایی که بعداً بوجود آمدند کوچه‌ها بواسطه شترداری عریض‌تر گردیدند.

بررسی کلی بر روی ساختمانهای خالدآباد در زمان گذشته و حال مؤید این مطلب است که تمام ساختمانها بطوری احداث شده‌اند که یکی از اضلاع بر راستای جهت قلع عمود است. به عبارتی دیگر همواره از طرف سازندگان و معماران موقعیت و قرارگیری ساختمانها دقیقاً در راستای جهات اصلی جغرافیایی قرار نگرفته است یعنی باتوجه به اینکه امتداد جهت قبله با راستای شمال جغرافیایی دارای زاویه ۱۵ تا ۳۰ درجه می‌باشد. ساختمانها دقیقاً در راستای قبله احداث شده‌اند که خود بیانگر ویژگیهای اقلیمی و نیز فرهنگی این منطقه است. لازم بذکر است تنها اثر قدیمی بنا شده در خالدآباد که براساس قرارگیری در راستای جهات اصلی جغرافیایی بنا گردیده بقعه معروف به بقعه باباحاجی می‌باشد که براساس اصول ساختمانی معماران یزدی ساخته شده است.

**گزارش جامعه شناختی و
بیوگرافی آداب و رسوم و
آیین‌های خاص مردم
خالدآباد در گذشته و حال**

۱- آداب و رسوم مردم خالداآباد

آداب و رسوم جایگاه ویژه‌ای در زندگی مردم هر منطقه دارد که در هر سرزمین باتوجه به شیوه‌های زندگی اجتماعی از تنوع و گوناگونی خاص خود برخوردار است به طوریکه در محدوده یک کشور نیز این تنوع به چشم می‌خورد. خالداآباد که با قدمتی کهن در مرکز کشور ایران قرار دارد و برای برگزاری هر مراسمی رسم و رسومات خاص خود را دارد بسیار مورد توجه جهانگردان ، توریست‌ها و مهمانانی که از سراسر ایران وارد خالداآباد می شوند قرار گرفته است. بسیاری از آداب و رسوم و باورهای مردم خالداآباد ریشه در تاریخ و تمدن ایران و خالداآباد دارد یکی از این آداب و رسوم مربوط به سنت پسندیده ازدواج است در مراسم خواستگاری اول زن‌ها به اطلاع خانواده عروس می‌رسانند که دخترتان موردپسند واقع شده بعد از اطلاع دادن مراسم خواستگاری انجام می‌شود. دربین خواستگاران پدر ، مادر ، عمو ، عمه ، مادر بزرگ ، پدر بزرگ و تمام ریش‌سفیدان طایفه حضور دارند. پس از صرف چای موضوع خواستگاری مطرح می‌شود و پس از اعلام موافقت دختر خانواده قرار عقد گذاشته می‌شود. در همان شب خواستگاری موضوع مهریه نیز مطرح می‌گردد و وقتی مهریه تعیین شد شیرینی به مجلس آورده و چرخانده می‌شود و این به معنای قبول مهریه و قرار عقد می‌باشد و خطبه عقد نیز همان شب خوانده می‌شد.

در سالیان گذشته مهریه گاهی شتر، زمین ، گوسفند و چند ساعت آب کشاورزی و غیره بود. روز قبل از عقد خانواده داماد پارچه‌ای را به عنوان هدیه برای عروس می‌بردند و در خانه عروس با همان پارچه چادری برای عروس می‌دوختند تا فردا سر سفره عقد آن چادر را سر کند. روز عقد خانواده داماد وسایل سفره عقد را که شامل شیرینی ، روغن حیوانی ، نان ، بادام و گردو ، نبات و غیره بود را داخل مجمع (سینی) مسی می‌گذاشتند و آن مجمع‌ها را بر سر می‌گرفتند و به سمت خانه عروس حرکت می‌کردند.

در زمانهای قدیم در خالداآباد زمانی که می‌خواستند عروس و داماد را عقد کنند به صورت امروزی نبود که عروس و داماد کنار هم بر سر سفره عقد بنشینند بلکه عروس در یک اتاق و داماد در اتاق دیگر که بقیه مهمانها حضور داشتند نشسته بود گاهی هم داماد بدلیل اشتغال در خارج از خالداآباد بر سر سفره عقد حضور نداشت.

بعد از برگزاری مراسم عقد و پس از خواندن خطبه خانواده‌های عروس و داماد با دفزنی و تنبک‌زنی و زدن سورنا عروس و داماد را به حمام عمومی خالداآباد می‌بردند تا به اصطلاح آب عقد بریزند.

لباس پوشیدن و زینت زنان و مردان :

لباسهایی که زنان در قدیم می‌پوشیدند عبارتند از: تُوْمُو (نوعی شلوار محلی) ، اَرْخَالِقِ مَخْمَل (نوعی کت کوتاه و یا بلند) ، چارَقْد (روسری بلند) که گلدار بوده و به علت بلند بودن آن دیگر چادر سر نمی‌کردند. پیراهن بلند زنانه (مانتوی امروزی) ، کلاه مخمل که آن را زیر چارقد سر می‌کردند.

لباسهایی که مردان در قدیم می پوشیدند عبارتند از : تومون (که شلواری با پاچه های بسیار گشاد بوده) ، مَرَاتْ بِکی (همان مُرادبیگی است که نوعی پالتو بوده که در دو طرف چپ و راست شکاف داشته است) ، کلاه نمدی و گیوه.

شغل مردم خالداآباد در گذشته های نه چندان دور دامداری ، کشاورزی ، ساربانی و شترداری بوده و اکثر جوانان از خالداآباد کوچ می کردند و در شهرهای دیگر مشغول به کار بودند. زنان نیز به کار خانه داری و قالیبافی و گلیم بافی مشغول بودند.

۲- کشاورزی سنتی در خالدآباد

سالیان متمادی کشاورزان خالدآباد محصولاتى مانند گندم ، جو ، کرفس ، تنباکو ، خیار ، خیار چنبر ، گرمک آقاعلى عباسى ، هندوانه ، طالبى را کشت مى کردند و این کشت ها چون سنتى بود بازده خوبى نداشت و اصولاً به اندازه مصرف خانواده کشت مى کردند و برداشت محصول نیز به صورت دستى انجام مى گرفت.

هر کشاورز در کنار محصولات ذکر شده ، باغى پر از میوه داشت که در این باغ انواع و اقسام میوه ها از قبیل انار ، انگور ، انجیر ، به ، بادام ، گردو ، زردآلو ، توت ، آلوچه (گوجه سبز) ، آلو زرد ، آلو سیاه ، زالزالک یافت مى شد و از این میوه ها در طول سال استفاده مى کردند. انار ، خربزه ، انجیر خشک ، بادام و گردو ، از میوه ها و محصولاتى بودند که در شب چله (شب یلدا) از آن استفاده مى کردند. هسته شیرین شده زردآلو که به آن پیشو (Pishoo) مى گفتند نیز استفاده مى شد. برای تازه نگهداشتن انگور تا شب یلدا انگور را در اتاقى به چوب یا داربستى آویزان مى کردند.

آبیاری در گذشته بصورت سنتى بود و آب را بصورت کُرتْ کُرتْ تقسیم مى کردند و افراد زیادى درگیر آن بودند نظیر کشاورز ، میراؤ (میرآب) که مسئول کنترل و تقسیم آب بود و به علت نبود ساعت کاسه اى را که کف آن یک سوراخ وجود داشت در داخل دیگى پر از آب مى گذاشتند و زمانیکه کاسه پر مى شد حدوداً یک ساعت حساب مى کردند و اگر چند بار این عمل تکرار مى شد نشان دهنده میزان آب مصرفى بود و به این کاسه و دیگ پر آب آن سرِه (Sareh) مى گفتند که محل قرار داشتن این دیگ و کاسه را که افراد دور آن جمع مى شدند پاسرِه (Pasareh) مى گفتند. در گذشته آب مورد نیاز کشاورزی از قناتها تأمین مى شد که ۵ رشته قنات در خالدآباد به نامهای قنات جنت آباد ، قنات خالدآباد ، قنات کریم آباد ، قنات حاجى آباد و قنات عسگریه وجود داشت و از این تعداد هم اکنون یک رشته آن (قنات خالدآباد) جریان دارد.

۳- ورزشهای سنتی خالدآباد

خالدآباد مانند دیگر نقاط ایران برای پرکردن اوقات فراغت ، تفریحات و ورزشهای گوناگونی داشته است که بهترین وقت و موقع تفریحاتشان در عید نوروز بود. بازیهایی مانند کشتی (به سبک خالدآبادی) که در بین جوانان و پیران طرفداران پروپا قرصی داشت. جوانان برای نشان دادن قدرت و نیروی بدنی خود جوانان دیگر را به مبارزه می طلبیدند و در این میان پیران به داوری می نشستند و جوانان را راهنمایی می کردند.

بازی هفت سنگ: نحوه بازی بدین شکل است که در فاصله ۱۵ متری تعداد ۷ سنگ صاف را روی هم قرار می دادند و بازیکنان که به ۲ تیم و هر تیم هم از ۴ نفر تشکیل می شدند ابتدا قرعه کشی می کردند که شروع کننده بازی چه تیمی باشد وقتی تیم شروع کننده مشخص شد یک نفر نماینده تیم پشت یک خط ایستاده و توپی را که از چندین جوراب درست شده بود به سوی سنگهای چیده شده پرتاب می کرد. تمام بازیکنان که مثل ضربه پنالتی در فوتبال پشت خط قرار می گرفتند بعد از اینکه توپ به سنگها می خورد و سنگها می ریخت حمله ور می شدند و آن تیم که پرتاب کننده توپ بود اگر توپ آن به هدف می خورد بایستی از چیدن مجدد هفت سنگ توسط تیم مقابل جلوگیری کند بدین صورت که تمامی اعضای تیم باید توپ را طوری به هم پاس بدهند که بتوانند به بازیکن تیم مقابل بزنند و او را از بازی خارج کنند و دیگر بازیکنی در زمین نماند آنها پیروز می شدند ولی اگر موفق به زدن بازیکن نشدند و تیم مقابل هفت سنگ را مجدداً روی هم چید ، آن تیم برنده بازی است و دور بعد تیم برنده بازی را با پرتاب توپ به سوی هفت سنگ شروع خواهد کرد و در مجموع تیمی که دفعات بیشتری کار چیدن هفت سنگ را انجام داده باشد بعنوان برنده مسابقه خواهد بود.

بازی گیلنگ گیلنگ (Gilang Gilang) : دو تکه چوب یکی در حد ۳۰ سانتی متر و دیگری حدود یک متر از اسباب این بازی است. شروع کننده بازی چوب سی سانتی متری را روی دو تکه سنگ یا آجر قرار داده و با چوب بزرگ زیر آن می زند و به هوا پرتاب می کند شرکت کنندگان دیگر اگر چوب را در هوا بگیرند جایشان را با شروع کننده عوض می کنند و اگر چوب بر روی زمین افتاد شروع کننده از همانجا با آواز گیلنگ گیلنگ گوجه گیلنگ محکم به زیر چوب می زند و به هوا پرتاب می کند. این کار دو الی سه بار تکرار می شود هرگاه بقیه شرکت کنندگان چوب را در هوا گرفتند از همانجا تا جایکه بازی شروع شده باید یک نفس زو بکشند اگر توانستند خود را به مکان شروع برسانند برنده و در غیر این صورت بازنده خواهند بود.

قاب بازی (کُو شک ° Cow Shak) : دایره ای به قطر یک متر بر روی زمین کشیده می شد. روی قطر دایره تعداد مشخصی شک (شک همان استخوان مهره مفصل است) می چیدند و از فاصله مشخصی (این فاصله توافقی بود) با وسیله ای به نام لَپَر (Lapar ° قسمت انتهایی کوزه) شکها را هدف قرار می دادند. لَپَر و شک هر دو می بایست از دایره خارج می شدند. اگر لَپَر داخل دایره می ماند

و شک از دایره خارج می‌شد بازی از همان جایی که شک افتاده بود ادامه می‌یافت تا همه شک‌ها از دایره خارج شوند. اگر در هدف‌گیریها لَپَر و شک هر دو در دایره بمانند بازی به طرف مقابل واگذار می‌شود. برنده این بازی کسی است که بیشترین شک را از دایره خارج کند.

بازی گردو (کُو اوز ° Cow Ouz) : شروع کننده بازی اوستا نام داشت و سه گردو در اختیار داشت. گردوی اولی گردوی هدف است و افراد شرکت کننده هرکدام دو گردو به طرف گردوی هدف قُل می‌دادند. گردوهایی که به گردوی هدف نزدیکتر است برجای می‌ماند و گردوهایی که از هدف رد می‌شدند و یا فاصله‌شان زیاد بود جمع‌آوری می‌شدند و گردویی که نهایتاً به هدف نزدیکتر بود صاحب آن برنده بازی بود و بقیه گردوها را به نام خود مصادره می‌کرد. گردویی که با فاصله زیاد از هدف رد شده بود گردوی رَد نام داشت و هم‌اکنون هم ضرب‌المثل «این فرد گردویش رَد است برای هر فرد یا چیز بدون استفاده بکار می‌رود.»

بازی تخم مرغ (کُو خا ° Cow Kha) : این بازی محدودیتی در تعداد افراد شرکت کننده ندارد. با دو نفر و حداقل تا بیست الی سی نفر می‌توان این بازی را انجام داد. افراد تخم‌مرغهای خود را ردیفی روی زمین قرار داده سپس قرعه‌کشی می‌کنند و به ترتیب قرعه تخم مرغها را انتخاب می‌کنند و ردیفی می‌نشینند این بازی را بدون قرعه هم می‌توان انجام داد بدین ترتیب که هرکس تخم‌مرغ خود را در بازی شرکت می‌دهد و تخم مرغها را روی زمین نمی‌چینند سپس تخم مرغها را در مشت می‌گیرند. شروع کننده با سر تخم مرغ به ته تخم مرغ نفر بعد می‌زند نفر بعد هم همین کار را با تخم مرغ نفر بعد انجام می‌دهد هرکس یک قسمت از تخم مرغش شکست طرف دیگر را می‌گیرد درنهایت هرکس تنها یک طرف تخم مرغش سالم بماند کلیه تخم مرغهای شکسته شده رقبا را به نفع خود برمی‌دارد و برنده بازی خواهد بود و جایزه‌اش همه تخم‌مرغهای شکسته شده خواهد بود.

بازی دوز: که مانند سایر نقاط ایران انجام می‌شد.

بازی دَسِ خِز که الان به تمرین تیمهای فوتبال منتقل شده است که افراد به ردیف در یک خط خم شده و افراد دیگر به نوبت از روی آنها می‌پریدند.

مسابقات الاغ سواری: که در قدیم به وفور یافت می‌شد.

دختران و دوشیزگان خالداآبادی نیز در ۳ یا ۴ روز اول عید در یک فضای بسته و پوشیده دور هم جمع می‌شدند و بازی می‌کردند که بازیهای آنها نیز عبارتند از : وسطی ، لَپَر (لِی له) و یِه قُل دو قُل

۴- بحث غذا

باتوجه به اینکه وضعیت اقتصادی مردم خالداًباد در چندصد سال گذشته مطلوب بوده بطوریکه اکثراً کاروان‌دار و شتردار بودند لذا از غذاهای مطلوب استفاده می‌کردند. اکثر خانوارها غذاهایی ساده با کمترین مواد اولیه تهیه می‌نمودند و کلیهٔ اعضاء خانواده از همان غذا استفاده می‌کردند.

آش یک غذای سنتی است که از گذشته تا به حال در لیست غذایی خانوارها یافت می‌شود. آش انواع گوناگونی دارد: آش رشته، آش جو، آش گندم، آش انار، آش ترش، شوربا، آش دوغ (آش دوغوا)، آش تخمه، حلیم، شیربرنج، کاجی ذرت، از این جمله‌اند که از میان اینها آش انار، آش رشته، آش ترش و کاجی طرفدار زیادی داشت.

دیگر غذاهای سنتی خالداًباد که بسیار پرمصرف بودند عبارتند از آبگوشت، اشکنه، کشک (کالجوش)، قورمه (قلیه)، کتلت که گوشت آن را در هاون سنگی که معروف به یوا بود می‌کوبیدند. آبگوشت را می‌توانستیم هرشب برسر سفرهٔ خالداًبادیها ببینیم که بسیار خوشمزه و مقوی بود. این غذا از گوشت، آب، نخود و لوبیا تهیه می‌شد. نوع دیگر آبگوشت، آبگوشت ریش‌خندی (آبگوشت قلبی) نام داشت که از موادی چون لوبیا، عدس، ماش، روغن دنبه (که بوی گوشت به خود بگیرد) تهیه می‌شد.

در گذشته در خانهٔ هر خالداًبادی حداقل یک بز یافت می‌شد که از شیر آن غذاهایی نظیر شیربرنج و ماست، گورماست (مخلوط شیر و ماست)، پنیر، سرشیر تهیه می‌شد. گوشت که در گذشته فراوان و ارزانتر از حال بود و هر خانوار خود تولیدکنندهٔ گوشت نیز بود جزء اصلی‌ترین غذاهای مردم بود و از گوشت غذاهایی نظیر آبگوشت، قلیه، کتلت، خورش تهیه می‌شد که پرمصرف‌ترین و پرتطرفدارترین غذایی که تا بحال نیز طرفداران خود را حفظ نموده قلیه و یا قورمه می‌باشد. به گفتهٔ اهالی خالداًباد گاهی یک خانوار در طول یک سال ۳ الی ۴ بره را قورمه می‌کردند.

قلیه را بعد از طبخ در شکمبه (سیرابی) گوسفند که تمیز شده بود می‌ریختند و تا ماهها این شکمبه، قلیه را حفظ می‌کرد و تقریباً کار یخچال را انجام می‌داد. قرمه چون قابلیت نگهداری بالایی داشت شترداران و افرادی که ییلاق و قشلاق می‌کردند از این غذا استفاده می‌کردند. آبدوغ خیار نیز هر روز ظهر بر سر سفرهٔ هر خالداًبادی رؤیت می‌شد و کمابیش از آن مصرف می‌نمودند که اکنون نیز طرفدار زیادی در خالداًباد دارد.

غذای دیگر خالداًبادیها شولی بود که از آرد و شیر تهیه می‌شد که اغلب مورد مصرف بیماران قرار می‌گرفت. نان که غذای تمام ایرانیان را تشکیل می‌دهد در خالداًباد نیز همانگونه بود. طبخ نان در خالداًباد در تنورهایی که از جنس گل بودند انجام می‌گرفت تنور در خالداًباد به (Ker °) معروف است. نان انواع مختلفی داشت: نان تنوری، نان آشک تنوری، قُبُچی، نان تُوَگِه (Towgeh)، نان جو، نان اُشکوا (oshkeva)، نان تنوری که اول بصورت نرم پخته می‌شد و بعداً آنها را خشک می‌کردند.

نان اُشکِ تنوری که در همان تنور خشک می‌شد و ضخیم‌تر از نان تنوری بود که برای خشک شدن این نان در تنور هنگام پخت در تنور را می‌بستند.

قُبْچِی : نانی بود به اندازهٔ بشقاب پلوخوری با قطر زیاد و به نرمی کلوچه .

نان تَوَگِه (Towgeh) : نانی بود که بر روی سنگ می‌پختند و کوچکتر از قُبْچِی بود.

اُشکِوا : نانی که به آرد آن زردچوبه اضافه می‌کردند تا به رنگ زرد درآید و کمی مزهٔ شیرین داشت و خمیر آن هم به اصطلاح خالدآبادیها وَرْ نیامده بود.

نان جو که از آرد جو تهیه می‌شد و خانواده‌هایی که از نظر مالی وسع تهیهٔ نان گندم نداشتند از آرد جو نان تهیه می‌نمودند.

۵- مهمان‌نوازی مردم خالدآباد

مردم خالدآباد همانند همه ساکنین کویر ، مردمی مهمان‌نواز و خونگرم هستند بطوریکه با آغوش باز از مهمان پذیرایی می‌کنند و هنگامیکه مهمان عزم رفتن کرد سوغاتی‌هایی نظیر ماست ، نان ، گوشت ، کشک ، نان خشک محلی و میوه‌هایی که مناسبت با فصل داشته باشد به او اهدا می‌کنند.

۶- آیین‌های نوروزی خالدآباد:

نوروز آنچنانکه همه می‌دانیم یکی از دیرپاترین آیین‌های سرزمین ایران است ، آیین کهنی که در هزاره‌های تاریخ این سرزمین شاید به شیوه‌های تاحد متنوع و گوناگون اما همیشه با معناهای بنیادین پایدار و غیرقابل تغییر دوام آورده و نه تنها رنگ هیچ مرام و مسلک سیاسی بخصوص یا نژاد و اقلیت واحدی را بخود نگرفته بلکه برتمام اقوام این سرزمین و مرام‌ها و مسلک‌ها تأثیر به‌سزا گذاشته است.

اما رمز جاودانگی نوروز در چیست؟ بی شک باید آن‌را در پیام نوروز جست و جو کرد که در گذر زمان همچنان به گوش می‌رسد و بر جان و روان می‌نشیند تا به اجرا درآید. پیام نوروز پیوسته آفریده شدن و تحول یافتن است و به جمال و جلال دست یافتن. نوروز آیینی برای حرمت نهادن به زندگی است ، یعنی گردش و پویایی طبیعت. پس از آنکه ایرانیان دین مبین اسلام را پذیرفتند ، آداب نوروزی را همچنان حفظ کردند و به تدریج به آن جامه اسلامی پوشاندند. احادیث و اخباری از زبان ائمه و فقهای شیعه در فضیلت نوروز نقل شده است و احکامی برای نماز ، روزه ، غسل و دعا به آن افزوده شده است.

حضور قرآن کریم برسر سفره هفت‌سین و قرائت آن در هنگام تحویل سال ، دعای مخصوص سال تحویل (یا مقلب القلوب و) ، استغفار از گناهان ، حضور در اماکن متبرکه مانند بارگاه امام (رضاع) ، حضرت معصومه ، حضرت عبدالعظیم ، حضرت شاهچراغ ، آقاعلی عباس و امامزاده‌ها و غسل و پاکیزه کردن بدن ، همگی از نمادهای دینی نوروز است.

اعیاد و جشن‌های ملی از نمادهای همبستگی ملی محسوب می‌شوند. مردم ایران با مشارکت در جشن نوروز به تأسی از آداب و رسوم کهن ، همدلی و هم‌اندیشی خود را به گونه‌ای نمادین به نمایش می‌گذارند و ازاین طریق حداقل سالی یکبار پیوند و پیمان خویش را با نیاکان ، خویشان ، میراث‌های کهن ، روح‌جمعی و هم‌وطنان خود تجدید می‌کنند و به حفظ میراث‌های خود جان تازه‌ای می‌بخشند.

یکی از آیین‌های کهن ایران که در خالدآباد از آن استقبال خوبی می‌شد و هم‌اکنون نیز می‌شود نوروز است. مردم خالدآباد از ۲ هفته مانده به سال تحویل شروع به خانه‌تکانی می‌کردند و لباس نو آماده می‌کردند تا در سال نو بپوشند. قبل از سال تحویل افراد خانواده لباسهای نو برتن می‌کردند و

برسر سفره هفت‌سین می‌نشستند ، پدر خانواده قرآن می‌خواند و در هنگام تحویل سال شروع به خواندن دعا می‌کرد و همه افراد خانواده آمین می‌گفتند.

مردم از همان ساعت‌های اولیه تحویل سال به دیدن اقوام و خویشاوندان می‌رفتند که بزرگان خانواده و طایفه در اولویت قرار داشتند.

در گذشته در خالداآباد مرسوم بوده که بجای پول ، تخمه و گردو و امثال اینها را عیدی می‌دادند. از دیگر مراسم‌های جالب خالداآباد قدیم خوردن پلو در شب اول و دوم نوروز بود. در آن زمان برنج در سبد غذایی مردم جایگاهی نداشت و مردم فقط شب عید از برنج استفاده می‌کردند.

در شب عید پلو را با اُوشِرِه (Owshereh) می‌خوردند. اوشره نوشابه آن روز اهالی بود و از سرکه و شکر و آب تهیه می‌شد.

خالداآبادیها اعتقادات بخصوصی داشته و دارند که عبارتند از اینکه : اگر کسی موقع تحویل سال خواب باشد تا آخر سال خواب خواهد بود یا اگر در لحظه تحویل سال نو گریه کند تا آخر سال گریه خواهد کرد.

در هفته اول عید کشاورزان محصولات خود را که شامل خیار و خربزه و هندوانه بود می‌کاشتند و معتقد بودند که کاشت این محصولات در این موقع از سال بازده خوبی خواهد داشت.

بازیهای که آقایان در ایام عید انجام می‌دادند عبارتند از : گردوبازی ، تخم‌مرغ بازی (کُؤ اُوز ° کُؤ خا) و دست‌خیز (دَسْ خِرْ) ، قاپ بازی (کُؤ شَک) ، هفت‌سنگ که این بازیها گاهی تا ۲ الی ۳ هفته بعد از عید نیز ادامه داشت.

در ایام عید دختران و دوشیزگان خالداآباد نیز در یک مکان و فضای بسته دور هم جمع می‌شدند و بازی می‌کردند که بازیهای آنها نیز عبارتند از طناب‌کشی ، وسطی ، لَپَر (لِیْ لِه) و یِه قُلْ دو قُلْ و درضمن انجام این بازیها گاهی شروع به دفزنی و ترانه خواندن می‌کردند و گاهی نیز در کوچه‌ها اقدام به دفزنی می‌کردند که این بازیها تا ۲ یا ۴ روز اول عید انجام می‌شد و همه دختران با لباس‌های نو در این مکان حاضر می‌شدند.

۷- مراسمات ویژه خالدآباد:

۱- مراسم گل سرخ :

در طول اردیبهشت ماه هر سال زنان خالدآباد با پوشیدن لباسهای نوروزیشان و با پای پیاده درحالیکه دف می‌زدند و شادی می‌کردند به پابوس امامزاده آقاعلی عباس و شاهزاده محمد می‌رفتند و به مدت دو روز در آن مکان به شادی می‌پرداختند. علت برگزاری این مراسم یادبود مراسم چهل‌دختران خالدآبادی است که در آن زمان به دفن امامزادگان پرداختند. ضمناً این مراسم ۳۰ سال پیش منسوخ شده و هم‌اکنون اصلاً برگزار نمی‌شود. زمان برگزاری این مراسم زمان بدست آمدن و شکفتن گل سرخ بوده است. بارگاه امامزادگان آقاعلی عباس و شاهزاده محمد صحنی به نام صحن چهل‌دختران داشت که مراسم در آن برگزار می‌شد.

۲- مراسم چهارشنبه سوری و کفچه‌زنی:

شب چهارشنبه آخر سال مردم خالدآباد به کوچه و خیابان‌ها می‌رفتند و آتشی افروخته و از روی آن می‌پریدند و هنگام پریدن این اشعار را می‌خواندند: «زردی من از تو، سرخی تو از من» و با این کار غم و غصه‌های سالانه خود را از خود دور می‌کردند و آماده استقبال از سال نو می‌شدند.

در شب چهارشنبه آخر سال مراسمی به نام کفچه‌زنی (کُوجَه) انجام می‌شد که دوفتر از زنان اهالی خالدآباد نیت می‌کردند و هرکدام ملاقه یا کفگیری به دست گرفته و با یک ظرفی که به آن (بَرَنجُ وِجْ) می‌گفتند به در خانه‌ها رفته و با زدن ملاقه و کفگیر به روی بَرَنجُ وِجْ اهالی را باخبر می‌کردند و صاحبخانه با آوردن پول یا نبات یا چای و قند و یا خوراکی‌های دیگر و انداختن آن در این ظرف به فقرا و نیازمندان کمک می‌کردند.

بَرَنجُ وِجْ : ظرفی است مدور چوبی دارای روزنه‌های متوسط که با آن برنج و گندم را غربال می‌کردند و دلیل استفاده از این ظرف این بود که کینه‌ها و کدورت‌های سال غربال شده و برطرف گردد.

۳- مراسم ۲۱ رمضان (شهادت حضرت علی^(ع))

در این روز مردم روزه‌دار خالدآباد در ابتدای صبح به حسینیۀ مرکزی خالدآباد رفته و با نوحه‌سرایی و سینه‌زنی نخل را با چرخاندن به دور سکوی حسینیۀ به طرف گلزار شهداء برده و بعد از سینه‌زنی بر سر مزار تازه‌گذشته‌ها، نخل را به طرف مسجد پاچنار (مسجد جامع خالدآباد) آورده و با خواندن زیارت عاشورا و عزاداری برای حضرت علی نخل را به طرف حسینیۀ مرکزی برمی‌گردانند و در آنجا روزه‌داران نماز ظهر ۲۱ رمضان را با جماعت می‌خوانند و بعد از ظهر آن روز عده‌ای از اهالی به زیارت امامزاده آقاعلی عباس و شاهزاده محمد می‌روند.

۴- مراسم نیمۀ شعبان (برات):

سه روز قبل از نیمۀ شعبان را برات می‌گویند که خالدآبادیها بعد از ظهرهای برات را بر سر مزار گذشتگان رفته و با قرائت فاتحه و دادن خیرات برای اموات از خدا برای آنها طلب مغفرت می‌کنند. دو شب اول برات را فقط خانم‌ها به مزار می‌روند و شب آخر که برابر با شب نیمۀ شعبان است آقایان هم به مزار می‌روند. متولیان امامزاده آقاعلی عباس (نوادگان سعید و عابد) نیز به بارگاه امامزاده رفته و خیرات خود را در آنجا ادا می‌کنند.

۸- نذورات مردم خالدآباد در گذشته:

نذورات انواع مختلفی دارند اما اولین و احتمالاً متبرکترین نذر از گذشته تا امروز نذر سیراب گردانیدن عزاداران حسینی بوده است.

توزیع شربت در ایام محرم و مخصوصاً شب عاشورا از نذورات بسیار رایج خالدآباد بوده و هست. در میان عزاداران خالدآبادی به قیافه جالبی برمی‌خوریم که ۴۰ تا ۵۰ سال پیش نذر کرده بود که در محرم به یاد لب تشنه شهدای کربلا به مردم آب دهد و هرساله نذر خود را در تکایا ادا می‌کند.

نوع بعدی نذر اطعام عزاداران حسینی است برای ادای این نذر به هنگام غروب آفتاب بعد از مراسم عزاداری برای عزاداران غذای نذری آماده می‌کردند و به آنها شام می‌دادند این غذاها شامل انواع مختلف از قبیل قیمه، پلوی ساده و گوشت و ادویه بود. این نذر به علت کمبود برنج در آن زمان به گروه خاص و اعیان اختصاص داشت که توانایی خرید این محصول را داشتند.

گونه دیگر نذر که امروزه نیز به قوت خود باقیست پخت حلیم است. روش پخت حلیم بدین صورت بود که گوشت یک گوسفند و یا بیشتر را با مقداری گندم و نخود مخلوط می‌کردند و در حال پختن آنقدر به مواد کفگیر می‌زدند که گوشت‌ها بطور کامل از هم جدا شود و حلیم غلیظی بدست آید و اغلب اوقات پختن حلیم را از غروب آفتاب شروع می‌کنند و سپیده‌دم روز بعد بین مردم پخش می‌کنند.

نذر جالب دیگری که شکل خاصی نیز داشت نذر نان اُشکیوا (Oshkeva) بود این نذر خاص حضرت عباس(ع) بود و در روز تاسوعا ادا می‌شد. این نان به رنگ زرد و کمی مزه شیرین داشت. دلیل ادای این نذر در روز تاسوعا اختصاص این روز به عباس بن علی(ع) علمدار کربلا بود و مقدار و چگونگی ادای این نذر بستگی به نذر کننده داشت.

نوع بعدی نذر افطاری برای روزه‌داران ماه مبارک رمضان بود که عبارتند از نان روغنی، نان و ماست، نان و پنیر و سبزی، حلوا، آش رشته، آش گندم و آش جو، نان تابه‌ای (نون تُوْگِه ° Towgeh)، قُبْجی (نان کوچک با ضخامت زیاد)، خرما، شیر.

نذر دیگری که در میان مردم رایج بود نذر سمنو بود که به نیت حضرت فاطمه پخته می‌شد. نوع دیگر نذر انداختن سفره برای ائمه از جمله سفره حضرت ابوالفضل ° سفره حضرت رقیه و سفره حضرت زینب بوده است.

بسیاری از نذورات نیز اختصاص به ماههای محرم و صفر نداشت و ادای آنها در سایر ماههای سال هم مرسوم بود مانند نذر آجیل مشگل گشا، نذر روضه‌خوانی برای ائمه، نذر صلوات، نذر ختم سوره یس و انعام. نذرهایی هم اختصاص به اماکن زیارتی بویژه مکه و مدینه و عتبات عالیات داشتند که عبارت بودند از خواندن سوره یا سوره‌هایی از قرآن.

از دیگر نذورات، نذر برای بقاع متبرکه از جمله امامزاده آقاعلی عباس(ع) و شاهزاده محمد بود که عبارت بود از اینکه نذر می‌کردند برای برآورده شدن حاجت و خواسته‌شان با پای پیاده به سمت بارگاه امامزادگان بروند.

از دیگر صور نذر در ماه مبارک رمضان بیدار کردن اهالی خالدآباد برای خوردن سحری و انجام فرایض دینی بود و بعضاً عده‌ای که صدای خوشی داشتند بر بالای پشت بام خانه‌ها اقدام به شب‌خوانی می‌کردند.

از دیگر نذورات مردم خالدآباد نذر وقف و امور وقفی بود از جمله احداث و وقف آب انبار و زمین‌های کشاورزی که استفاده کننده از آن متعهد می‌شد که مقداری از محصولات آن زمین را به فقرا دهد. ادای نذورات بطور کلی به اشکال مختلف انجام می‌شد و صورت ادای آن بستگی به سطح زندگی صاحب نذر ، میزان اهمیت نذر برای فرد و میزان اعتقاد باطنی به معقولۀ نذر داشت. بعضی از نذورات بطور کلی منسوخ یا از میزان آن کاسته شده است اما بیشتر آنها مانند پخت آش رشته ، شله زرد ، حلیم ، حلوا ، نان و پنیر و سبزی همچنان به قوت خود باقی هستند و حتی گسترش بیشتری یافته‌اند.

۹- محرم در خالدآباد از گذشته تا حال:

عزاداری خود ارج نهادن به سنت‌های مذهبی و بزرگداشت شعائر اسلامی است و وسیله‌ای برای تقرب به خدا و انس به ائمه اطهار می‌باشد، راه ائمه را زنده می‌دارد و به حماسه‌های پرشکوه اسلام در این مراسم ارج می‌نهد و علاوه بر آن که روش شهادت، فداکاری و شهیدپروری را به انسان می‌آموزد، تهذیب نفس، استقامت، شجاعت و سایر فضایل را در انسانها زنده می‌کند.

گریه بر حسین(ع) و تشکیل مجالس عزّا و به راه انداختن دسته‌های سوگواری و احداث بناهایی مثل حسینیه، زنده نگاه داشتن ولایت است و رمز پیروزی و بقای تشیع و استوار ماندن آیین جاودانی اسلام در برپایی اینگونه مجالس نهفته است.

عزاداری حضرت سیدالشهداء(ع) همانگونه که در همه جا مرسوم بوده و هست در خالدآباد نیز به شیوه خاص خود برگزار می‌شد. آنچه در قدیم مرسوم بود، سینه‌زنی، زنجیرزنی، کفن‌پوشی، برداشتن نخل، برداشتن طوق و علم، زدن سنج و دهل و از همه پرتفرداتر و پرهیاهوتر، تعزیه‌خوانی بود. پیش از فرارسیدن دهه عاشورا مساجد و حسینیه‌ها را سیاهپوش می‌کردند و وسایل عزاداری مانند سنج و دهل و علم و طوق و بیرق که برای سینه‌زنی و زنجیرزنی بود آماده می‌کردند و علم و بیرق و طوق را با پارچه‌های خوشرنگ آبی، سبز یا رنگهای روشن می‌پوشاندند. نخل هم یکی دیگر از وسایل بود که با چوب درست می‌شد، شبیه طاق‌های شیروانی و مزین به پارچه‌های اهدایی، البته بلند کردن نخل و علم و طوق کار جوان‌ها و نوجوان‌ها بود اما سنج و دهل را افراد مسن‌تر می‌نواختند. در قدیم سینه‌زنی و زنجیرزنی سنتی حزن‌آور بود برخلاف امروز که حالتی غنایی به خود گرفته و نمایشی شده است.

مراسم ماه محرم:

علاوه بر مراسم سینه‌زنی و زنجیرزنی که در ماه محرم انجام می‌گیرد مراسم زیر نیز وجود دارد:

۱- افروختن مشعل:

دوشب قبل از عاشورا مراسم افروختن مشعل در حسینیه مرکزی خالدآباد انجام می‌گرفت مشعل وسیله‌ای فلزی است به شکل منشور هشت ضلعی که دورتادورش تور فلزی دارد و دارای پایه‌ای است که در زمین قرار می‌گیرد. چوبها در درون مشعل قرار می‌گرفت و با ریختن نفت بر روی آنها شروع به سوختن می‌کرد که یادآور شبهای قبل از جنگ عاشورا می‌باشد که یاران امام حسین(ع) آتش می‌افروختند تا محیط اطراف روشن باشد.

۲- مراسم روز عاشورای حسینی:

در روز عاشورای حسینی و در شب تاسوعا مردم زنجیر بدست در حسینیه حاضر می‌شدند و در آنجا زنجیرزنی می‌کردند. در گذشته زنجیرزنی و سینه‌زنی بصورت امروزی نبود که مردم هرکدام در یک هیئت مشخصی مشغول عزاداری باشند. بلکه همه مردم باهم و یکپارچه در حسینیه مرکزی جمع می‌شدند و به عزاداری می‌پرداختند. یکی دیگر از مراسم روز عاشورا مراسم طوق‌برداری و نخل‌برداری است. نخل و طوق را چند روز قبل از روز عاشورا بوسیله پارچه‌هایی که اغلب نذورات

مردم بود تزیین می کردند صبح عاشورا نخل توسط عزاداران از جایگاه خود به میدانی که باید در آن گردانده شود آورده می شد. قبل از بیرون آوردن نخل از جایگاهش اشعاری خوانده می شد که این اشعار در خالدآباد به پیش نخلی معروف است و تمام عزاداران نیز این اشعار را با هم و همصدا تکرار می کردند. پیش نخلی اشعاری است که در ثنای امام حسین و یارانش خوانده می شود و با این جملات آغاز می شود:

« اول به خدای حیّ داور رخصت »

« دویم به رسول تاج بر سر رخصت »

« سیم به علی و آل و اولاد علی »

« بر صاحب ذوالفقار و منبر رخصت »

خواندن پیش نخلی مختص به دو طایفه (یکی طایفه مدرسی و دیگری طایفه ای از خادمین حسینیّه خالدآباد) است که دو نفر به نمایندگی از این دو طایفه آنرا می خوانند و این امر بصورت موروثی از پدر به فرزند منتقل می شود.

بعد از خواندن پیش نخلی ، نخل توسط عزاداران از جایگاه خارج می شد و دور میدان گردانیده می شد و عزاداران دور این میدان و به دنبال نخل شروع به نوحه سرایی و سینه زنی می کردند. در گذشته شخصی در قسمت بالای نخل می نشست و هنگام حرکت آنرا هدایت می کرد که به این شخص بابانخل می گفتند.

نخل: نماد تابوت پیکر پاک معصومین است. نخل در خالدآباد قدمت بسیار زیادی دارد و مراسم نخل برداری از قدیم الایام از مراسم پرشکوه خالدآباد می باشد. نخل خالدآباد ۴ پایه دارد که هر پایه به طایفه خاصی اختصاص دارد.

یکی دیگر از کارهایی که در روز عاشورا انجام می گرفت (و هم اکنون نیز وجود دارد) جریده گردانی است که این نیز متعلق به طایفه خاصی و موروثی بوده است. جریده را در جلوی نخل حرکت می دهند. جریده ها را مانند نخل و طوق بوسیله پارچه ها و روسری های نذری تزیین می کردند روی جریده یک دست فلزی وجود داشت که بر روی هر کدام از انگشت های این دست فلزی یک سیب می گذاشتند که مردم این سیب ها را به نیت شفا می گرفتند و می خوردند.

نخل را در روز عاشورا به مزار می بردند و پس از سینه زنی و زنجیرزنی بر سر مزار اموات ، آن را مسجد پاچنار (مسجد جامع شهر) می بردند و جلوی مسجد مراسم خواندن زیارت عاشورا را برگزار می کردند و بعد از آن نخل را دوباره به جایگاه اول خود یعنی حسینیّه مرکزی برمی گرداندند. حسینیّه خالدآباد در گذشته بصورت غرفه ای و دوطبقه بود که در طبقه پایین آقایان و در طبقه بالا خانم ها می نشستند.

در گذشته در تمام طول محرم و صفر مراسم روضه خوانی برقرار بود و روحانیون و روضه خوانان خالدآباد از ابتدای محرم تا انتهای صفر در خانه های خالدآبادیها به روضه خوانی می پرداختند و گاهی حدود ۴۰۰ منبر در طول این ۲ ماه می رفتند.

۱۰- تعزیه در خالدآباد:

تعزیه تصویر است از دو جبهه‌ای که یکی مسیر سقوط انسانیت را طی می‌کند و دیگری در راستای فتح قلّه خلیفه‌اللهی نردبان صعود به سوی خدا را درپیش گرفته است. راهی که باور پرواز را در ذهن و اندیشه انسان خاکی، شکوفا و بذر رهایی از رنگ و ننگ و نیرنگ را در دل‌های بشریت می‌کارد.

تعزیه روایت حماسی‌ترین و خونین‌ترین نبرد تاریخ است، نبردی که در یک سوی آن همه رازها و رمزهای سعادت انسان شجاعانه در مقابل همه تزویرهای شقاوت شیطان، قامت راست می‌کند تا تجربه پیروزی خون بر شمشیر را به آیندگان بیاموزد.

تعزیه هنر است، آن هم هنری مذهبی، مردمی، غنی، مالا مال از تعب و احساس اما این هنر را نمی‌توان در ردیف هفت هنری به شمار آورد که برای خود حد و مرزی را قائلند، گرچه اغلب هنرها در این هنر منحصر بفرد به خدمت گرفته شده است و با تئاتر قرابت دارد. سوزی که از سینه‌های تعزیه‌گردانان و نظاره‌گران آن برمی‌خیزد آن را به سمت و سوی هنر هشتم سوق می‌دهد که همانا هنر احساس و همدردی با مظلومیت تاریخ تشیع است. همه چیز این هنر، تصویری از درون آدمی است، حتی یقین و سعادت خداوندیشان و شک و شقاوت خاک‌نشینان در رنگ لباسها و پرهای کلاه خود تجلی می‌کند.

تعزیه‌خوانی در آغاز دوره سلطنت قاجار بصورت یک نمایش آئینی^۵ مذهبی جلوه‌ای برجسته داشته و روند تحول و تکامل خود را طی نموده است. فتحعلی شاه که مردی مذهبی بود با بظاهر مذهبی می‌نمود به تعزیه و تعزیه‌خوانی علاقه نشان می‌داد و در رواج این سنت مذهبی در میان مردم و همگانی کردن آن در جامعه، کمابیش نقش مهم و مؤثری داشت.

تعزیه و تعزیه‌خوانی از دیرباز در خالدآباد به خوبی اجرا می‌شده و هم‌اکنون نیز اجرا می‌شود و چنانکه از صحبتها و خاطرات پیران و پابه سن گذاشته‌هایمان پیداست تعزیه‌خوانی از حدود اوایل سلطنت قاجار در خالدآباد رایج شده است.

تا یک قرن گذشته خالدآباد تعزیه‌خوان نداشت و تعزیه‌خوانان دوره‌گرد از شهرهای قزوین، طالقان، عقدای یزد و دیگر نقاط کشور به خالدآباد می‌آمدند و تعزیه اجرا می‌کردند.

معروفترین مرکز تعزیه‌خوانی در تهران و مرکز تکیه دولت نام داشت که معروفترین و بهترین تعزیه‌خوانان ایران در آنجا تعزیه‌خوانی می‌کردند. یکی از پیشکسوتان تعزیه‌خوانی خالدآباد روایت می‌کند که تعزیه‌خوانان تکیه دولت ناصرالدین‌شاه نیز به خالدآباد آمده و تعزیه اجرا نمودند.

تعزیه‌خوانان افرادی بودند که رفته رفته از میان مردم برگزیده شده و برحسب استعدادها و لیاقت‌های هنری و نوع صدا و صوت نقش‌هایی را برعهده می‌گرفتند.

معمولاً در خالدآباد تعزیه‌خوانان از سنین کودکی و برحسب یک سنت موروثی به تعزیه روی می‌آوردند و در هر دوره‌ای از عمر خود نقش متناسب به عهده می‌گیرند. مثلاً در سنین کودکی و نوجوانی شبیه طفلان مسلم (ع) و شبیه طفلان حضرت زینب و مانند آن را اجرا می‌کنند و یا در

دوران جوانی و میانسالی اگر صدای نازک و سوزناک داشتند و از صوتی خوب برخوردار بودند موافق خوانی را برعهده می‌گیرند.

تعزیه با صورت بخشیدن به سنتهای مردمی و بومی و ترکیب آن با اعتقادات مذهبی و آیینی شیعه درعین حال زبانی برای گفتگویی صمیمانه دربارهٔ تنوع فرهنگی و هویت قومی فراهم آورد. تعزیه در مسائل اجتماعی، فرهنگی و آداب و رسوم مردم خالداًباد نقشی انکارناپذیر داشته است بین فرهنگ مردم و تعزیه خوانی نوعی تقابل به چشم می‌خورد.

نقل است از قدیمیترین و کهنسالترین مردم خالداًباد که: تا ما به یاد داریم و از پدرانمان نیز شنیده‌ایم تعزیه‌خوانی در خالداًباد در گذشته به سبک امروزی نبوده است و فقط در روز عاشورا تعزیه امام حسین(ع) خوانده می‌شد و افراد تعزیه‌خوان نیز لباسهای امروزی را نداشتند، فقط از پیشانی‌بند و روسری بعنوان لباس برای خواندن تعزیه استفاده می‌کردند یعنی فقط روسری به سر می‌بستند. اما امروزه در تعزیه خوانی ابزار و اشیایی بکار گرفته می‌شوند که واقعی هستند نظیر اسب، شمشیر، سپر، حتی گسترده سفره و خوردن غذا درضمن اجرای نقش. در تعزیه‌هایی هم که ایجاب می‌کند بعضی از ابزارها سمبولیک و نمادین هستند مانند نگین انگشتری عقیق یا فیروزه که نشان از چشمه یا شاخه‌ای که نشان از درخت دارد یا ظرف آب که نشان از رود فرات و یا رنگ قرمز پاشیده برلباس و پارچه سفید نشان از کفن‌پوشی برای شهادت و مجروحیت است.

در تعزیه لباسهای اشفیا سرخ رنگ و فاخر، لباس ائمه(ع) ساده و به رنگ سبز، لباس اهل حرم با روبنده و لباس مشکی رنگ و لباس قاصد و درویش و رهگذر به رنگ زرد است.

عشق به امام حسین(ع) و عشق به تعزیه با خون مردم خالداًباد عجین شده است و آنها را مردمی ولایتی و مذهبی نموده به حدی که هم‌اکنون در خالداًباد در تمام طول ۲ ماه محرم و صفر، ایام فاطمیه و ایام شهادت امام علی(ع) مراسم تعزیه‌خوانی برگزار می‌گردد.

مجالس تعزیه‌ای که هم‌اکنون در غالب شهرهای کویری ایران از جمله کاشان، نطنز و خالداًباد برپا می‌شود از روی نسخ تعزیه که از سوی سیدمصطفی کاشانی معروف به میرعزا تهیه و تدوین شده و توسط کُتاب محلی تحریر گردیده اجرا می‌شود.

موسیقی در تعزیه:

درگذشته در تعزیه از شیپور و طبل بعنوان موسیقی تعزیه استفاده می‌شد که امروز این ابزار موسیقی جای خود را به ترومپت، دهل و سنج داده‌اند و گاهی هم نی می‌زنند.

استاد ابوالحسن صبا موسیقیدان و نوازندهٔ برجستهٔ ایران معتقد است که این تعزیه بوده که موسیقی را حفظ کرده است.

تعزیه‌خوانان غالب تعزیه‌ها را از روی دست‌نوشته‌هایی که به آن نسخه می‌گویند می‌خوانند. میزان ابیات موجود در هر نسخه براساس نقشی که باید هرفرد اجرا کند متفاوت است. فواصل اشعاری که هرفرد باید درمقابل دیگر نقشها بخواند با خطی تفکیک شده است و مجموعه نسخه‌هایی که در یک تعزیه به کار می‌رود مجلس نام دارد که بوسیلهٔ فهرست مشخص می‌شود. حضور تعزیه گردان در اجرای تعزیه برای هدایت تعزیه خوانان لازم است. باوجود آنکه در نسخه‌های تعزیه هیچ توضیح

درباره حرکات و رفتارهای افرا تعزیه‌خوان نیامده است ولی آنها درموقع مناسب با حرکات زیبا و جالب نقش خود را به خوبی ایفا می‌کنند و این از محاسن غیرقابل انکار تعزیه است.

تعزیه‌خوانی چنانکه از عنوان آن پیداست مراسمی است نمایش‌گونه که می‌کوشد حادثه کربلا و دیگر وقایعی را که مربوط به مصایب اهل بیت (ع) است آنگونه تصویر نماید که حاضران در مجلس را متأثر کرده ، با این کار سیل اشک را از دیدگان سرازیر نماید. شبیه‌خوانی از یک‌سو مظلومیت ، غریبی ، بی‌پناهی اهل بیت(ع) را یادآور می‌شود و ازطرفی جنایت ، قساوت و جفاییشگی اشفیا را به تصویر می‌کشد و دریک کلام تعزیه تجسم دلبستگی شیعیان به رسالت امام حسین(ع) در کربلاست.

معرفی آثار و ابنیه تاریخی شهر خالد آباد

هویت ، فرهنگ و اصالت یک قوم را باید در پیشینه آن قوم جستجو کرد. خالدآباد مثل همه آبادیهای کنار کویر از هویت و فرهنگ نیاکان سرشار است. آثار و ابنیه تاریخی این شهر عبارتند از :

۱- مسجد بیرین:

مسجد بیرین با قدمت حدود ۸۰۰ سال متعلق به دوره ایلخانی است. این اثر به شماره ۱۴۲۱۵ مورخ ۸۴/۱۱/۹ در فهرست آثار باستانی به ثبت رسیده است.

علت نامگذاری این مسجد به نام بیرین را به دو صورت می توان تفسیر نمود:

۱- کلمه بیرین در زبان خالدآبادی به معنای بیرون می باشد و چون این مسجد در خارج از شهر واقع گردیده بود به این نام معروف بود.

۲- کلمه بیرین را می توان تغییر یافته کلیه برین دانست و برین به معنی بالا و بهشت می باشد و چون این مسجد در قسمت بالای شهر و در محوطه باغهای خرم و سرسبز قرار داشته به این نام معروف شده است.

کارشناسان میراث فرهنگی احتمال می دهند قدمت ساختمان این مسجد به قبل از اسلام برسد و قبل از اسلام بعنوان آتشکده از آن استفاده می شده است.

۲- بقعه باباحاجی:

این اثر که به سبک معماری یزدی بنا شده و قدمت آن را به دوران صفویه نسبت می‌دهند هنوز به ثبت میراث فرهنگی نرسیده است.

نقل است که شخصی از اهالی یزد که زائر کربلا یا مکه بوده در هنگام برگشت از مسافرت به مقصد یزد که بار تسبیح و مهر به همراه داشته در شهر خالدآباد بیمار شده و در منزل یکی از اهالی خالدآباد بستری و تحت مراقبت قرار می‌گیرد که بعد از چند روز دار فانی را وداع گفته و در مکانی که در حال حاضر به بقعه باباحاجی معروف است مدفون گشته که بعدها اقوام و فرزندان او به خالدآباد مراجعت نموده و بقعه‌ای به سبک معماری یزدی بر سر قبرش بنا کرده‌اند.

نقل است زمانیکه اهالی قصد غسل دادن میت را داشتند بدلیل فصل سرما نتوانستند وی را با آبهای روان غسل دهند و مجبور به استفاده از آب چاه داخل منازل بودند لذا در طی چند مرحله برداشتن آب از چاه برای غسل دادن هر بار مشکلی بوجود می‌آمد و مانع از انجام کار می‌شد که پس از بررسی متوجه وجود جانور مرده‌ای داخل آب شدند و در آن موقع مشخص شد که باباحاجی فرد باکرامتی بوده است. همچنین نقل است زمانیکه فرزندان وی بر سر مزارش حاضر شدند چون در هنگام گریه و عزاداری برای پدر خود می‌گفتند بابا حاجیم (چون پدرشان حاجی بوده) که به همین علت این فرد به باباحاجی معروف گشت و بقعه باباحاجی هم به همین نام معروف است.

۳- مسجد ورگرموئه :

این مسجد که با شماره ۱۲۱۱۱-۸۴/۴/۳۰ در فهرست آثار باستانی به ثبت رسیده است در مرکز محله تاریخی شهر و در کنار حمام خزینه‌ای قرار دارد و به همین دلیل نام آن را ورگرموئه (در زبان محلی به معنای کنار حمام) نهاده‌اند. کارشناسان قدمت بنای اولیه مسجد را به اواخر دوره صفویه نسبت می‌دهند اما با توجه به سبک ساخت مسجد و پایه‌های ضخیم بنا شاید بتوان قدمت آن را به پیش از صفویه نیز نسبت داد. مشخصات بنا: بنای مسجد شامل دو قسمت شبستان زمستانی و شبستان تابستانی است که این دو در قالب دو اشکوب تشکیل بنایی باب‌بیت را می‌دهد و شبستان زمستانی هنوز مورد بهره‌برداری نمازگزاران می‌باشد.

۴- حمام توده :

این اثر که با شماره ۱۴۲۱۷-۸۴/۱۱/۹ در فهرست آثار باستانی به ثبت رسیده در مرکز محله تاریخی شهر که به محله توده معروف است واقع گردیده و منسوب به دوره قاجار می باشد.

مشخصات اثر: حمام توده متشکل از چهار فضای متوالی از قبیل ورودی ، سربینه ، گرمخانه و خزینه می باشد. سربینه به شکل فضای هشتی کشکولی که طول ضلع کوچکتر ۱/۲ طول ضلع بزرگتر می باشد در مفصل یکی از اضلاع کوچک با راهروی ورودی مرتبط می باشد. فضای سربینه متشکل از دولایه فضایی بوده ، یکی فضای میانی که حوض آب در وسط آن جانمایی گردیده است به فضایی ارتباطی اختصاص یافته و فضای کناری دورتادور فضای میانی که در روی سکو جهت نشستن و استراحت تعبیه گردیده است. سربینه از طریق راهرویی از جانب یکی از اضلاع کوچک هشتی با انحراف مسیر به گرمخانه ارتباط می یابد این راهرو که طولی برابر با ۱۲ متر دارد ارتباط سربینه با گرمخانه می باشد ، درضمن ورودی ثانوی حمام از طریق این راهرو با کالبد ساختمان مرتبط گشته و از طریق ارتباطات عرضی بار سیرکلاسیون حمام را منتقل می کنند. گرمخانه بصورت فضایی متقارن و هندسی متشکل از دولایه کناری و یک فضای میانی با سازه متشکل از چهار ستون سنگی با مقطع دایره به قطر ۷۵ سانتی متر که در ارتفاع ۱/۴۰ متر به مقطع مربع مماس بر محیط آن تبدیل شده و در نهایت بار بوسیله قوسهایی با خیز تند به پایه ها منتقل می گردد. خزینه بصورت فضایی الحاقی به توسط حائلی به ارتفاع ۱/۲۰ متر به گرمخانه منتقل می گردد.

یکی از ویژگیهای منحصر به فرد بنا فرم ارتباطات درونی بنا می باشد. در ناحیه ورود به سربینه مسیر به اندازه ۹۰ درجه چرخش یافته و در امتداد عمود بر محور ورودی به سربینه ختم می گردد سپس سیرکلاسیون در فضای سربینه با ۹۰ درجه چرخش به راهرو هدایت می گردد و در نهایت حرکت به سمت گرمخانه از گوشه و در محوری غیرمتجانس با محور خروجی سربینه انجام می گردد. این امر نشان دهنده ویژگی کالبدی این حمام در ارتباطات پیچیده فضایی به جهت استقلال فضایی هر واحد به لحاظ مسائل اجتماعی و مسائل فنی از جمله سرمایشی و گرمایشی بوده است.

۵- خانه آقاگل :

این اثر که با شماره ۱۴۸۹-۸۴/۱۱/۹ در فهرست آثار باستانی به ثبت رسیده در مرکز محله تاریخی شهر واقع گردیده و منسوب به دوره قاجار می باشد.

این خانه متعلق به آقاگل انصاری خالدي ارباب اسبق روستا بوده و در حال حاضر از طرف ورثه مرحوم آقاگل به شهرداری واگذار گردیده است.

این اثر دارای ساختار حیاط مرکزی و سه جبهه ساخت حول حیاط می باشد. جبهه اصلی شامل فضای شاهنشین و دو اتاق کناری در جبهه شمال حیاط واقع می باشد. جبهه جنوبی شامل فضای ، انبار ، اتاق سرایداری و فضایی جهت نگهداری احشام بوده است. بدین ترتیب فضای دسترسی و راهپله در جبهه غربی حیاط جانمایی می گردد. در تراز زیر طبقه همکف فضای سرداب دقیقاً منطبق بر سازه طبقه بالا زیر فضای شاهنشین شکل گرفته و مساحتی بالغ بر ۱۰۰ مترمربع را شامل می شود. نکته جالب توجه خط آسمان در نمای جبهه اصلی بنای فوق می باشد. در اثر فوق در طول محور آکس این جبهه دارای تنوع بوده و با فرمی هلالی که از زمینه خود جدا می گردد تظاهر می یابد. مشخصات بنای عدم تقارن عملکردی بنا درحین تقارن فضایی و فرمی می باشد دو اتاق کناری در دوطرف اتاق شاهنشین هر دو دارای مشخصات فرمی تلسیان می باشد و برخلاف انتظار برخورد یکسان از لحاظ ارتباطی ، یکی از این فضاها توسط سه دهانه با فرم هلالی با فضای اصلی مرتبط گشته و اتاق جانبی در سمت دیگر فاقد ارتباط درونی از شاهنشین بوده و ارتباط با این فضا فقط از حیاط میسر است.

یکی از ویژگیهای منحصر به فرد بنای مذکور رویکردی دوگانه نسبت به محیط پیرامون خود می باشد ، بنا در طول محور اصلی خود در امتداد فضای شاهنشین هم دارای درونگرایی نسبت به حیاط مرکزی بوده و هم دارای رویکردی برونگرا نسبت به محیط اطراف می باشد. در نمای متقابل این جبهه ایوانی سرتاسری در تمام طول بنا ، ارتباط بصری و فیزیکی بنا را به اطراف ممکن می سازد ، در این جبهه به علت تراز بودن کف سرداب با کف محیط پیرامون بنا ، ارتباط بصری و فیزیکی را به اطراف ممکن می سازد. در این جبهه به علت تراز بودن کف سرداب با کف محیط پیرامون بنا دو طبقه جلوه کرده و نمایی با گونه تجلی می یابد.

۶- بارانداز خالدآباد :

بارانداز خالدآباد با کاربری تجاری واقع در مسیر جاده ابریشم : کارشناسان قدمت این اثر را بالغ بر ۴۰۰ سال گمان زده‌اند. صفاءالسلطنه نایینی در گزارش کویر نوشته که در زمان مراجعت از تهران به اصفهان شبی در کاروانسرای خالدآباد شب‌گیر نمودم (این گزارش مربوط به ۱۵۰ سال پیش می‌باشد).
این اثر ارزشمند هنوز به ثبت میراث فرهنگی نرسیده است.

۷- محوطه باستانی ابوذری :

این اثر به شماره ۴۶۹۴ مورخ ۸۰/۱۰/۱۱ در فهرست آثار باستانی به ثبت رسیده است. قدمت این اثر را به ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (عهد مفرغ) نسبت می‌دهند. این محوطه تاکنون حفاری و کاوش نشده است ولی کارشناسان میراث فرهنگی قدمت آنرا برابر با محوطه باستانی سیاه‌بوم گمان زده‌اند.

از ویژگیهای این تپه سفالینه‌های موجود در آن و سنگهایی که شکل چاقو و غیره دارند و همچنین گذرگاههای زیرزمینی که تپه مسی را به تپه ابوذری و تپه ابوذری را به قلعه سفید و محوطه باستانی سیاه‌بوم و ریگ تخت پادشاه متصل می‌کند و در زمان هجوم اقوام وحشی از آنها استفاده می‌شده است و بنابر اظهار نظر کارشناسان تپه ابوذری کارگاههای سفال‌سازی و صنایع دستی را در دل خود دارد.

۸- محوطه باستانی تپه مسی :

این اثر به شماره ۴۶۹۶ مورخ ۸۰/۱۰/۱۱ در فهرست آثار باستانی به ثبت رسیده است. قدمت این اثر را به ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (معادل با قدمت تپه ابوذر) نسبت می‌دهند. این محوطه نیز تاکنون حفاری و کاوش نشده است. از ویژگیهای این تپه همانند تپه ابوذر سفالینه‌های موجود در آن و سنگهایی که شکل چاقو و غیره دارند و همچنین گذرگاههای زیرزمینی که تپه مسی را به تپه ابوذر و تپه ابوذر را به قلعه سفید و محوطه باستانی سیاه‌بوم و ریگ تخت پادشاه متصل می‌کند و در زمان هجوم اقوام وحشی از آنها استفاده می‌شده است.

۹- بازارچه قنات :

در داخل قنات خالدآباد «حدفاصل راه آهن و جاده ترانزیت» در زیرزمین تونلهایی بصورت غرفه غرفه وجود دارند که به بازارچه قنات معروف است. در عمق بیش از ۲۰ متر از سطح زمین در دل قنات ۲ راهرو یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ تونل قنات حفاری شده که داخل هریک از راهروها غرفه‌هایی به مساحت‌های مختلف از ۹ تا ۱۲ مترمربع وجود دارند. کارشناسان گمان‌های مختلفی از کاربری این تونلها ارائه داده‌اند اما دو گمان قوی‌تر از همه می‌باشند. یکی اینکه این تونلها بازارچه‌ای قدیمی بوده است و دیگری اینکه تونلها و غرفه‌ها به عنوان پناهگاه جهت حفاظت مردم از شر اقوام وحشی نظیر مغولها که به شهر حمله‌ور می‌شدند حفاری شده باشند. بازارچه قنات تاکنون به ثبت میراث فرهنگی نرسیده و درحال حاضر درب ورودی آن مسدود شده است و به همین علت امکان عکسبرداری از آن میسر نیست.

۹- قلعه کریم آباد :

این قلعه در مرزعه کریم آباد خالدآباد واقع گردیده و دارای مالکیت خصوصی می باشد. کارشناسان قدمت این اثر را به دوره قاجاریه نسبت می دهند. این اثر هنوز به ثبت میراث فرهنگی نرسیده است.

۱۰- خانه های تاریخی حائری ، امیر سعیدی ، ایرج ، صولت ، شریفی ، کدخداهند و

این خانه ها متعلق به دوره معاصر بوده و از ویژگیهای منحصر به فرد این منازل بادگیرهایی است که از پشت بام به زیرزمین (یا سرداب) منزل راه دارد و در تابستان باعث تهویه و خنکی هوا می گردد.

۹- قرآنهاى خطى:

این قرآن‌ها که به خط مرحوم حاج عبدالعلی محمودی نگارش شده‌اند بالغ بر ۲۰۰ سال قدمت دارند و اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند. البته قرآن‌های خطی قدیمی به خط مرحوم مدرسی نیز موجود می‌باشند.